تاریخ
۸۸۵۲۳۰۶۰

پیشخوان

«درآمدی بر اندیشه فرهنگی آیت‌الله خامنه‌ای» در یک نگاه

گنجینه‌ای ارزشمند از راهبردها و راهکارها

سمانه صادقی



اثری که هم اینک در معرفی آن سخن می‌رود، همانگونه که در عنوان خویش آورده است، می‌تواند به عنوان «درآمدی بر اندیشه فرهنگی آیت‌الله خامنه‌ای» قلمداد شود. توضیح آنکه مباحث فرهنگی ارائه شده رهبر شهید در ادوار گوناگون حیات، به قدری پروسعت و گسترده بوده که بررسی آنها از عهده و مجال یک تحقیق خارج می‌نماید. این تحقیق ازسوی مهدی جمشیدی انجام شده و پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و به عنوان شصتمین اثر خویش در حوزه فرهنگ پژوهی، آن را به زیور طبع آراسته است. نویسنده در دیباچه خویش بر این پژوهش، نکات پی‌آمده را از نظر دور نداشته است:

«اندک آشنایی با اندیشه‌های آیت‌الله سید علی خامنه‌ای نشان می‌دهد، ایشان در میان عرصه‌های اجتماعی، بیش از همه نسبت به «فرهنگ»، حساس و دغدغه‌مند بوده و هستند. از این رو در طول دهه‌های گذشته، نظریات و مواضع فراوانی را درباره فرهنگ بیان کرده‌اند. نگارنده این اثر که حدود دو دهه است که درباره نظریه فرهنگی آیت‌الله خامنه‌ای مطالعه و تأمل می‌کند، اینک پس از سال‌ها، توانسته در قالب یک پژوهش علمی و مستند، اندیشه فرهنگی آیت‌الله خامنه‌ای را گرد آورد و روایتی تحلیلی و راهبردی از آن ارائه نماید. در کتاب درآمدی بر اندیشه فرهنگی آیت‌الله خامنه‌ای، تلاش شده تا مهم‌ترین اضلاع نظری و عملی این اندیشه، بازآفرینی و تبیین شود؛ به گونه‌ای که مخاطب پس از مطالعه آن، می‌تواند به تصویری دقیق و سرشار از جزئیات مفهومی و استدلالی دست یابد و مدعی شود که



۱۶فروردین ۱۴۰۲
دیدار با شاعران و اساتید ادب فارسی

اندیشه فرهنگی ایشان را می‌شناسد. در این اثر یک منظومه فکری طراحی شده که مشتمل بر عناصر و لایه‌های فرهنگی متنوع و درهم تنیده است. در چارچوب این منظومه، شناخت تفکر فرهنگی آیت‌الله خامنه‌ای، تسهیل و منطقی شده است؛ مخاطب هم با زیرساخت‌های معرفتی و فکری اندیشه فرهنگی ایشان آشنا می‌شود و هم با نمودها و مصداق‌های عینی آن تا آنجا که در نهایت، مباحث به گام دوم انقلاب می‌رسد و مجموعه‌ای از راهکارها و راهبردهای فرهنگی در اختیار مخاطب قرار داده می‌شود. وجه تمایز کتاب درآمدی بر اندیشه فرهنگی آیت‌الله خامنه‌ای با کتاب‌های دیگر در این حوزه؛ تحلیلی بودن آن است. نویسنده این کتاب تلاش کرده از معنای فرهنگ شروع کند و سپس با نگاه تحلیلی و به صورت موضوعی و با تکیه بر سخنان مقام معظم رهبری، بخش‌های مختلف فرهنگی دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی را بازگو سازد. نگاه تحلیلی و ارائه منظومه‌ای راهبردی از بنیادی‌ترین بخش‌های اندیشه فرهنگی، از ویژگی‌های این کتاب است. نوع دیدگاه حضرت آقا به مقوله فرهنگ و بازشناسی فضای تقابل فرهنگ غرب و اسلامی و همچنین بیانات رهبر معظم انقلاب در بخش‌های مختلف فرهنگی از جمله موضوعاتی است که گردآورنده در این کتاب به آن پرداخته است. در بخشی از این اثر می‌خوانیم: تعریف فرهنگ بر مبنای اجزا، از نظر ساحت‌ها و شئون تشکیل‌دهنده آن، مشتمل بر مجموعه‌ای از ارزش‌ها، صفات مطلوب، بایدها، واجبات و مستحبات و ضدارزش‌ها، صفات مذموم، نبایدها، محرمات و مکروهات است. همین‌طور می‌توان گفت فرهنگ، واقعیتی دولایه است؛ لایه باطنی و ناپیدای فرهنگ، باورهای ذهنی و خصلت‌های اخلاقی را شامل می‌شود و لایه ظاهری و نمایان آن، خط و زبان و لباس و معماری و... را دربرمی‌گیرد... .»



۲۱آذر ۱۳۶۷. شهید آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای در بازدید از منطقه تخت جمشید

«ایران در اندیشه رهبر شهید، از هویت تاریخی تا وحدت تمدنی»
در گفت‌وشنود با رامین فرهودی زرنق

هویت ایرانی پیوست جدایی‌ناپذیر قدرت نظام اسلامی است

معصومه محرمی

نگاه پیوسته و فراگیر شهید آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای به هویت ایرانی در ادوار پیش و پس از ورود اسلام به کشورمان، از جنبه‌های گوناگون در خور تبیین و تحلیل می‌نماید. به ویژه که در دوره ما، دشمنان نظام اسلامی با برجسته کردن سازه‌های فرهنگی و تاریخی پیشااسلامی، در تخریب فرهنگ اسلامی ایران و انکار آثار عظیم آن به تلاشی گسترده دست زده‌اند. در گفت‌وشنود پی‌آمده رامین فرهودی، مدیر اندیشکده ترند با ارائه مستنداتی، ارزیابی رهبر شهید در این باره را به بسط و تحلیل نشسته است. امید آنکه تاریخ پژوهان و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

از دیدگاه شما، هویت ایرانی از سوی رهبر شهید انقلاب اسلامی، چگونه و با چه گستره‌ای تعریف می‌شد؟

مسئله نسبت ایران و اسلام، یکی از بحث‌های دیرپای اندیشه سیاسی و فرهنگی در جامعه معاصر ماست. در یک سوی این بحث، گرایش‌هایی قرار دارند که هویت ایرانی را عمدتاً در میراث باستانی و پیشااسلامی جست‌وجو می‌کنند و گاه نقش اسلام را در شکل‌گیری تمدن و فرهنگ ایرانی کم‌رنگ می‌بینند. در سوی دیگر، قرائت‌هایی وجود دارند که هویت اسلامی را چنان برجسته می‌کنند که برای بخش مهمی از میراث تاریخی و فرهنگی ایران پیش از اسلام، جایگاهی متناسب قائل نمی‌شوند. هر دو رویکرد، هنگامی که به صورت افراطی دنبال شوند، بخشی از واقعیت تاریخی و فرهنگی ایران را نادیده می‌گیرند. در میان این دو نگاه، پرسشی اساسی وجود دارد: آیا ایرانی بودن و مسلمان بودن، الزاماً دو هویت متعارض‌اند؟ آیا می‌توان به تاریخ باستان ایران افتخار کرد، بی‌آنکه به استبداد پادشاهان آن دوره مشروعیت بخشید؟ و آیا می‌توان به هویت اسلامی تعلق داشت، اما تاریخ، زبان، هنر و میراث فرهنگی ایران را نیز بخشی جدایی‌ناپذیر از هویت خود دانست؟

بازخوانی سخنان رهبر شهید آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای درباره ایران، فرهنگ ایرانی و تاریخ این سرزمین، از این جهت اهمیت دارد که می‌توان در آنها تلاش برای عبور از این دوگانه را مشاهده کرد. تأکید بر تمدن ایرانی، توجه به ارزش هنری آثار باستانی، اشاره به شکوفایی ایرانیان در دوره اسلامی و دفاع از جایگاه زبان فارسی، مجموعه‌ای از موضوعات را شکل می‌دهد که در کنار یکدیگر، تصویری چندلایه از هویت ایرانی ارائه می‌کنند.

در این باره، به مصداقی نزدیک و همه فهم اشاره داشته‌باشید؟

یکی از صحنه‌های قابل تأمل در این زمینه، اجرای سرود «ای ایران» به درخواست ایشان در حسینیه امام خمینی(ره)، پس از جنگ ۱۲روزه در تیرماه ۱۴۰۴ و در شب عاشورای حسینی(ع) بود. این اتفاق، صرفاً انتخاب یک سرود برای یک مراسم مذهبی نبود، بلکه از نظر نمادین، یادآور امکان هم‌نشینی عاطفه ملی و تعلق دینی در یک موقعیت تاریخی بود. گویی در آن لحظه، ایران نه در برابر اسلام، بلکه به‌عنوان سرزمینی که مردمش با تاریخ، فرهنگ و باورهای گوناگون به آن تعلق دارند، در مرکز توجه قرار گرفت. شاید اهمیت این صحنه در همین نکته نهفته باشد: دفاع از ایران را نمی‌توان به یک گرایش سیاسی، یک قرائت مذهبی یا یک روایت خاص از تاریخ محدود کرد. ایران، پیش از آنکه موضوع اختلاف بر سر تفسیرهای سیاسی باشد، خانه مشترک مردمانی است که با وجود تفاوت‌های فکری، فرهنگی و اعتقادی، در بزنگاه‌های تاریخی می‌توانند سرنوشت مشترک خود را به یاد آورند.

ایران را نمی‌توان تنها با نقشه‌ای که مرزهای سیاسی آن را مشخص می‌کند، شناخت. این سرزمین، پیش از آنکه یک واحد سیاسی در جغرافیای جهان باشد، حاصل انباشتی از خاطره‌ها، تجربه‌ها، زبان‌ها، هنرها، باورها و دستاوردهای تاریخی است؛ مجموعه‌ای از عناصر که در طول قرن‌ها، احساس تعلق به یک سرزمین مشترک را در میان نسل‌های مختلف ایرانیان زنده نگه داشته‌است. کشورها ممکن است در طول تاریخ با تغییر حکومت‌ها، دگرگونی مرزها و حتی فروپاشی نظام‌های سیاسی روبه‌رو شوند؛ اما هویت تاریخی ملت‌ها معمولاً در چارچوبی گسترده‌تر از عمر حکومت‌ها شکل می‌گیرد. ایران نیز از این منظر، نمونه‌ای قابل تأمل است. در این سرزمین، سلسله‌های گوناگون برآمده و فرو افتاده‌اند، زبان‌ها و آیین‌ها در کنار یکدیگر زیسته‌اند و تحولات بزرگ سیاسی و مذهبی رخ داده است؛ بااین‌حال، نوعی پیوستگی فرهنگی و تاریخی همچنان در حافظه جمعی ایرانیان باقی مانده است.

در اندیشه رهبر شهید، هویت تاریخی و فرهنگی ایران چگونه انعکاس یافته است؟

در نگاه رهبر شهید، آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای به ایران، مسئله هویت تاریخی و فرهنگی این مرز و بوم، جایگاهی قابل توجه دارد. در سخنان ایشان، ایران صرفاً یک محدوده جغرافیایی یا یک ساختار سیاسی



رامین فرهودی، مدیر اندیشکده ترند

> **باید از ساده‌سازی تاریخ پرهیز کرد. نه می‌توان تمام تحولات علمی و فرهنگی پس از اسلام را تنها به یک عامل فروکاست و نه می‌توان نقش اسلام را در شکل‌گیری فضای فکری و تمدنی آن دوره نادیده گرفت. تاریخ، محصول تعامل عوامل متعدد دینی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. با این حال، تأکید بر شکوفایی ایرانیان در دوره اسلامی نشان می‌دهد، در این روایت، هویت ایرانی و میراث اسلامی الزاماً دو هویت ناسازگار تلقی نمی‌شوند**

و اداری نیست، بلکه سرزمینی با پیشینه تمدنی، ظرفیت‌های فرهنگی و سرمایه‌های تاریخی است. این نگاه را می‌توان در سخنرانی‌های ایشان درباره تمدن ایرانی، میراث تاریخی، زبان فارسی و نسبت ایران با اسلام پیگیری کرد. البته برای فهم دقیق این دیدگاه، باید میان دو موضوع تفاوت گذاشت: یکی، ارزیابی تاریخی و فرهنگی ایران و دیگری، داوری درباره حکومت‌ها و ساختارهای سیاسی‌ای که در دوره‌های مختلف بر این سرزمین فرمان رانده‌اند؛ یعنی همان نقطه افتراق بین دو جریان فکری که وجود هم را در چارچوب نظام سیاسی فعلی جمهوری اسلامی ایران بر نمی‌تابند. از منظر فکری ایشان، افتخار به میراث تاریخی ایران، لزوماً به معنای تأیید همه حکومت‌های گذشته نیست؛ همان‌طور که نقد استبداد تاریخی نیز نباید به انکار دستاوردهای فرهنگی و هنری ایرانیان منجر شود. این تمایز، یکی از نکات مهم در بازخوانی سخنان آیت‌الله خامنه‌ای درباره تاریخ ایران است.

به طور مشخص‌تر، درباره صورت‌بندی‌های ایشان در این فقره، توضیحی داشته باشید؟

یکی از روشن‌ترین نمونه‌های پرداختن رهبر شهید آیت‌الله خامنه‌ای به مفهوم تمدن ایرانی، سخنرانی ایشان در دیدار جوانان و فرهنگیان در مصلای رشت در تاریخ ۱۲اردیبهشت ۱۳۸۰ است. در این سخنرانی، ایشان درباره ضرورت اتکا به ظرفیت‌های فرهنگی و تاریخی ایران و پرهیز از تقلید سطحی از الگوهای بیرونی سخن گفتند. در بخشی از این سخنرانی آمده است:«تمدن واقعی برای مردم ما، تمدن ایرانی است؛ تمدنی است که متعلق به خود ماست؛ از استعدادهای ما جوشیده و با شرایط زندگی ما در هم آمیخته و چفت شده است... .» اهمیت این عبارت در آن است که تمدن ایرانی در اینجا، نه به‌عنوان مجموعه‌ای از آثار باستانی و یادگارهای تاریخی، بلکه به مثابه ظرفیتی زنده برای ساختن آینده مطرح می‌شود. در ادامه همین سخنرانی، ایشان میان تبادل فرهنگی و پذیرش منفعلانه الگوهای بیگانه تفاوت می‌گذارند. بنابراین، تأکید بر هویت ایرانی در این سخنرانی را نباید به معنای بستن درهای کشور به روی دانش و تجربه جهانی تفسیر کرد.

این نکته از منظر تحلیل هویت ملی اهمیت دارد. جامعه‌ای که از گذشته خود شناختی ندارد، ممکن است در مواجهه با فرهنگ‌های قدرتمندتر دچار احساس ضعف و خودکم‌بینی شود؛ اما جامعه‌ای که گذشته را به‌درستی می‌شناسد، می‌تواند با اعتمادبه‌نفس بیشتری دستاوردهای دیگران را ارزیابی و از آنها استفاده کند. در این برداشت، هویت تاریخی نه مانعی برای تعامل با جهان، بلکه عاملی برای انتخاب آگاهانه و مستقل است. از سوی دیگر، تأکید بر تمدن ایرانی زمانی معنای کامل‌تری پیدا می‌کند که آن را به گذشته محدود نکنیم. تمدن صرفاً چیزی نیست که در موزه‌ها، بناهای تاریخی یا کتاب‌های تاریخ باقی مانده باشد. تمدن، علاوه بر میراث گذشته، توانایی یک جامعه برای تولید علم، هنر، اندیشه، نهادهای کارآمد و شیوه‌های زیست متناسب با نیازهای زمانه است. به همین دلیل، ارجاع به تمدن ایرانی در سخنرانی رشت را می‌توان دعوتی به بازیابی ظرفیت‌های درونی جامعه و تبدیل آنها به نیروی سازنده آینده دانست.

ارزیابی شما از نحوه داوری شهید آیت‌الله خامنه‌ای، در باره سازه‌های فرهنگی پیشااسلامی چیست؟

شاید یکی از روشن‌ترین نمونه‌ها برای شناخت چگونگی مواجهه آیت‌الله خامنه‌ای با میراث فرهنگی

> **تلاش رهبر شهیدمان به این مهم معطوف بود تا موانع فکری پیوند هویت ایرانی و اسلامی را در جامعه ما از میان بردارد و مردم ایران را متوجه حقد و کینه غرب نسبت به داشته‌های پیشااسلامی و پسااسلامی‌اش نماید. در این مسیر، توجه دادن ایشان به میراث گذشتگان و پیشران‌های اسلامی مؤثر بر آن، بخشی از این حرکت قلمداد می‌شد. از نگاه ایشان، نام ایران و اسلام لازم و ملزوم یکدیگرند و در طول تاریخ نیز با هم پیوندی وثیق یافته‌اند**

ایران باستان، سخنان ایشان درباره تخت جمشید و دیگر آثار تاریخی ایران باشد. در کنار این میراث، نقش‌برجسته‌های ساسانی نقش رستم نیز یادآور یکی از مهم‌ترین رویدادهای تاریخ ایران باستان، یعنی پیروزی شاپور اول بر امپراتوری روم و اسارت والرین در سال ۲۶۰ میلادی است. ایشان در دیدار مسئولان اجرایی و اداری بخش‌های مختلف استان فارس در تاریخ ۱۸اردیبهشت ۱۳۷۸، به دو نوع نگاه متفاوت به آثار تاریخی پیش از اسلام از جمله تخت جمشید، اشاره کردند. مضمون اصلی سخنان ایشان این بود که از یک سو، این آثار به حکومت‌هایی تعلق دارند که در تاریخ ایران با استبداد و جبایریت شناخته می‌شوند اما از سوی دیگر، نمی‌توان سهم هنرمندان، معماران و خلاقیت ایرانی را در پدید آمدن این آثار نادیده گرفت. ایشان در همان سخنرانی تأکید دارند:«غالب متدینین و انسان‌هایی که نفرت طبیعی از استبداد و از جباریت دارند با این دید وقتی به این بناهای باستانی نگاه می‌کنند، طبعاً برای آنها جاذبه‌ای ندارد. لیکن یک جنبه دیگر هم وجود دارد و آن این است که این بناها، محصول سرپنجه هنرمند ایرانی است؛ محصول فکر راقی و روشن‌بین ایرانی است در سال‌ها و قرن‌ها پیش از این؛ این جنبه مثبت قضیه است... .» ایشان در این سخنرانی، عبارت «ذوق و ابتکار ایرانی» را برای توصیف جنبه مثبت این میراث به کار برده و تخت جمشید و دیگر آثار تاریخی کشور را از جمله مفاخر تاریخی ایران بر شمردند. این موضع یک نکته مهم را در اندیشه انسان ایرانی روشن می‌کند و آن اینکه «می‌توان از ارزش هنری و تاریخی یک اثر دفاع کرد، بی‌آنکه نظام سیاسی یا شیوه حکمرانی سازندگان آن را تأیید کرد.»

این نگاه، به طور مشخص در باره مجموعه تخت‌جمشید مصداق دارد. اینطور نیست؟

بله. تخت‌جمشید را می‌توان از جنبه‌های مختلف معماری، هنری، سازماندهی نیروی انسانی و توان فنی سازندگان آن مطالعه کرد؛ در عین حال، می‌توان درباره ساختار قدرت، مناسبات اجتماعی و ماهیت سیاسی حکومت هخامنشی نیز پرسش‌های انتقادی مطرح کرد. این دو نوع ارزیابی با یکدیگر تعارض ندارند، چراکه یک اثر تاریخی ممکن است از نظر هنری ارزشمند باشد، اما در بستر نظامی- سیاسی ای، پدید آمده باشد که نقد آن کاملاً موجه به نظر برسد. اهمیت این تمایز، در بحث هویت ملی نیز آشکار می‌شود. اگر تمام میراث یک دوره تاریخی را صرفاً به دلیل ماهیت سیاسی حکومت آن دوره کنار بگذاریم، بخش مهمی از تاریخ فرهنگی خود را نادیده گرفته‌ایم. در مقابل، اگر ارزش هنری و تمدنی آثار را به تأیید بی‌چون‌وچرای حکومت‌های سازنده آنها تعبیر کنیم، میان تاریخ و ستایش سیاسی مرز روشنی باقی نخواهد ماند. همین نگاه ناقص به تاریخ ایران، موجب شده است تا بخشی از نسل امروز ایرانی با تخاصم در برابر اسلامیت ایران موضع گرفته و بی‌آنکه به ریشه‌های تاریخی خود آشنایی داشته باشد، نسبت به ساختار نظام سیاسی موجود در کشور منتقد شود. از سوی دیگر طیف مقابل این جریان فکری، در مواجهه با به میدان آمدن انسان ایرانی نه چندان مقید به ظواهر اسلامی، دچار بهت و سردرگمی می‌شود. این همان نقطه آغاز پرواز انسان ایرانی در منظومه فکری رهبر شهید انقلاب است که با توجه به عیب ظاهری این انسان، دل او را در گرو خدمت به این جبهه می‌یابد و برای از دست ندادن او به فکر تدبیر و چاره است. دغدغه و تصریحی که تا پایان حیات، در بیانات رهبر شهید قابل رصد است.

از منظر رهبر شهید، ایران پس از اسلام چه نسبتی با دوره پیش از خود دارد؟ این نسبت سنجی به شکل بهینه خویش، چگونه انجام می‌شود؟

در همان سخنرانی ۱۸اردیبهشت ۱۳۷۸، آیت‌الله خامنه‌ای به دوره پس از ورود اسلام به ایران نیز اشاره کردند. در گزارش این دیدار، بر شکوفایی تمدنی، علمی و فرهنگی ایرانیان در قرون چهارم و پنجم هجری تأکید شده است. این موضوع، یکی از محورهای مهم در فهم نسبت ایران و اسلام در این دیدگاه است. تاریخ ایران پس از اسلام را نمی‌توان صرفاً به‌عنوان دوره‌ای جدا از گذشته باستانی آن بررسی کرد. ورود اسلام، دگرگونی‌های عمیقی در فرهنگ، اندیشه، آموزش، ادبیات و ساختارهای اجتماعی این سرزمین پدید آورد؛ اما در همین بستر جدید، ظرفیت‌های تاریخی و فرهنگی ایران نیز در شکل‌گیری تمدنی تازه نقش‌آفرین شدند. در قرون نخستین اسلامی، ایرانیان در حوزه‌های مختلف علمی و فرهنگی مشارکت گسترده‌ای داشتند. نام دانشمندان و اندیشمندان ایرانی در تاریخ تمدن اسلامی، از فلسفه، پزشکی، ریاضیات، نجوم، تاریخ‌نگاری و ادبیات ثبت شده است. از این منظر، ایران پس از اسلام را نمی‌توان صرفاً جامعه‌ای دانست که میراث پیشین خود را کنار گذاشت بلکه می‌توان آن را سرزمینی دید که در مواجهه با یک تحول بزرگ دینی و فرهنگی، وارد مرحله تازه‌ای از تولید دانش و فرهنگ شد. در اینجا باید از ساده‌سازی تاریخ پرهیز کرد. نه می‌توان تمام تحولات علمی و فرهنگی پس از اسلام را تنها به یک عامل فروکاست و نه می‌توان نقش اسلام را در شکل‌گیری فضای فکری و تمدنی آن دوره نادیده گرفت. تاریخ، محصول تعامل عوامل متعدد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، دینی و فرهنگی است. با این حال، تأکید بر شکوفایی ایرانیان در دوره اسلامی نشان می‌دهد در این روایت، هویت ایرانی و میراث اسلامی الزاماً دو هویت متخاصم و ناسازگار تلقی نمی‌شوند.

از برکات چنین نگاه منعطف و عالمانه‌ای نسبت به فرهنگ ایران و اسلام، تبیین جایگاه هویت ملی برای ایرانی معاصر بود که در حرکت به سمت آینده، نیازمند تفکر و تحلیل پویا در کنار بصیرت و صبر سازنده است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در روز اول فروردین‌ماه ۱۴۰۲ و در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی(ع)، در باب تحول فرمودند:«دشمنان ایران اسلامی استکبار و صهیونیسم هستند؛ اینها با هویت جمهوری اسلامی مخالف‌اند؛ اگر می‌گویند تغییر، تحول، تغییر ساختار، انقلاب و امثال اینها، مقصودشان این است که هویت جمهوری اسلامی تغییر پیدا کند. هدف آنها حذف همه چیزهایی است که مردم را به یاد انقلاب و به یاد اسلام می‌اندازد... اسم تحول می‌آورند، مقصودشان این است که اینها را که اتفاقاً اینها همه نقاط قوت کشور ماست، نقاط قوت جمهوری اسلامی است، می‌خواهند حذف کنند.» از نگاه رهبر شهید انقلاب، هویت ایرانی پیوست جداناپذیر قدرت استراتژیک حکومت اسلامی و هسته سخت این کشور است که با در هم تنیدن گذشته و حال به یکدیگر، در تلاش برای رسیدن به قله افتخاری است که دیگران در تلاش برای عدم فتح آن از سوی این ملت هستند.

هدف ایشان از ارائه چنین نگره‌ای سازگار با ادوار مختلف حیات ایرانیان (اعم از پیش و پس از ورود اسلام به کشورمان) چه بود؟

تلاش رهبر شهید معطوف به این مهم بود تا موانع ذهنی و فکری پیوند هویت ایرانی و اسلامی را در جامعه معاصر این سرزمین را از میان بردارد و مردم ایران را متوجه حقد و کینه غرب نسبت به داشته‌های پیشااسلامی و پسااسلامی‌اش نماید. در این مسیر، توجه‌دادن ایشان به میراث گذشتگان و پیشران‌های اسلامی مؤثر بر آن، بخشی از این حرکت بود. بنیان فکری ایشان در مقوله هویت ایرانی و ملی بر این بود تا زنان و مردان ایرانی، جوان ایرانی، دانش‌آموز و دانشجوی ایرانی، کار آفرین و تولید کننده ایرانی، ورزشکار ایرانی و... به نام ایران و برای ایران در هر عرصه‌ای که فعال هستند، به پیشینه و داشته‌های خود به نظر تفاخر بنگرند و هر کس به قدر توان خویش، برای اعتلای نام آن کوشش کند. از نگاه ایشان پرداختن به نام ایران، یعنی توجه دادن به جغرافیایی که در آن اسلام اصیل مجال ظهور و بروز یافته و نام ایران و اسلام لازم و ملزوم یکدیگرند.

رهبر شهید انقلاب در منظومه هویتی طراحی شده برای انسان ایرانی، توجه‌دادن مردم به ویژه جوانان به «معنویت» به عنوان ریشه هویتی این سرزمین را خواهان بودند. ایشان در دیدار با قاریان قرآن در ۳۱تیرماه سال ۱۳۹۱، ضمن تأکید بر شاخص و معیار بودن این موضوع فرمودند:«داعیه ما ایجاد تمدنی است متکی به معنویت، متکی به خدا، متکی به وحی الهی، متکی به تعلیم الهی، متکی به هدایت الهی. امروز اگر یک چنین تمدنی را ملت‌های اسلامی - که بحمدالله بسیاری از ملت‌های اسلامی بیدار شده‌اند و به پا خاسته‌اند - بتوانند پایه‌گذاری کنند، بشر سعادتمند خواهد شد. داعیه جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی این است ما به دنبال یک چنین تمدنی هستیم. این را شما جوان‌های عزیز به خاطر بسپارید، این را شاخص و معیار قرار بدهید... .» ایشان با توجه دادن به این مسئله و تأکید بر توان جوان ایرانی برای ایستادگی در برابر هجمه سنگین غرب، این امر را رسالت جمهوری اسلامی بیان می‌کنند. آن بزرگ در سوم خرداد ماه سال ۱۳۸۹ و در جمع دانش آموختگان دانشگاه امام حسین(ع) فرمودند:«اینجا مسئله، مسئله ارزش هاست؛ مسئله انسانیت است؛ مسئله نجات ملت‌هااز کمند قدرت‌های مداخله‌گر و سلطه‌طلب است. نظام اسلامی ما برای بشریت پیام دارد. همین پیام است که جهانخواران عالم را در مقابل ملت ایران قرار داده است... .» این نگاه، هویت ایرانی را یک هویت مسئولیت‌پذیر در برابر خود و دیگران می‌داند که موظف است برای ساختن دنیایی بهتر، تمام توان خود را به نمایندگی از سایر ملت‌های مستضعف به کار گیرد تا از سد علقه‌های مادی شهوت پرستان قدرت و دنیا بگذرد و سرانجام این راه را به آن نور هدایت بخش الهی گره بزند. این مسیر از روح خداجوی انسان ایرانی قبل از اسلام آغاز شده و با تربیت اسلامی، در راه شکوفایی او و شیفتگان هویت ایرانی پیش می‌رود.